

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل یازدهم :

کلیسا کاروانی است ما بین

پنطیکاست و ملکوت

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت سوم : روح القدس از راه کلیسا به مسیح شهادت می دهد
فهرست

۶۴۴	فصل یازدهم: کلیسا کاروانی است مابین پنطیکاست و ملکوت
۶۴۴	مقدمه
۶۴۶	۱- کلیسا کاروان است طبق تعلیم شورای اسقفان
۶۴۸	۲- جلال خدا قوم خود را در دامنه کوه سینا جمع نمود
۶۴۹	۳- کلیسا کاروانی است که در صحرا گام برمی دارد
۶۴۹	۴- راه طولانی و خسته کننده
۶۵۰	۵- تحت هدایت پراز لطف و مهربانی پدر
۶۵۱	درس عبرت از بت پرستی اسرائیل
۶۵۲	۶- توشه ی کاروان
۶۵۲	رازهای هفت گانه کلیسا ، اقتداری جهت ادامه ی راه به سوی ملکوت
۶۵۳	۷- فضایل این کاروان
۶۵۴	۸- با کمک پیشگامان ما که به هدف رسیده اند
۶۵۷	«خلاصه ی تعلیمات رسمی»

فصل یازدهم

کلیسا کاروانی است مابین پنطیکاست و ملکوت

مقدمه

الف - ۱

به صورت عجیب در شرف هزاره سوم پاپ ژان پل دوم، به خاطر اشتباهات بعضی از مسئولان کلیسای کاتولیک در طول هزاره دوم علناً از خداوند بخشش طلبیده این طور دعا کرد:

- در ارتباط با گسستگی کلیساها:

ای پدر بس رحیم
شب روز مصائبش
یکتا پسرت جهت اتحاد همه ی ایمانداران به او
دعا کرد،
اما بر خلاف اراده ی او مخالفت کرده از هم جدا شدند.
و یکدیگر را متقابلاً محکوم کرده، بر ضد همدیگر پیکار نمودند و ستیز کردند.
با قدرت تام بخشش تو را می طلبیم
و از تو درخواست داریم
که به ما قلب نادم عطا نمایی.
تا همه مسیحیان با تو
و با یکدیگر
آشتی کرده
دیگر فقط یک تن و یک روح گردند.
و دوباره بتوانند تجربه شادمانی مشارکت کامل را احیا کنند
این را از راه عیسا مسیح خداوند ما می طلبیم.

الف - ۲

- در ارتباط با قوم اسرائیل پاپ اینطور دعا کرد:

خدای پدران ما،
ابراهیم و نسل و تبارش را برانگیختی
تا نام تو به همه ی ملت ها برده شود:
ما عمیقاً از رفتار کسانی که

در طی تاریخ، موجب رنجش آنها شده اند، اندوهگین هستیم،
 آنها که پسران تو هستند،
 و، در عین طلبیدن پوزش
 می خواهیم تصمیم راسخ بگیریم
 که در یک رابطه ی برادرانه ی راستین
 با امت پیمان، زندگی نماییم،
 از راه عیسا، مسیح، خدای ما.
 آمین

- در ارتباط با اقوام و ادیان مختلف دیگر پاپ این طور دعا کرد:
 خدای مالک جهان، پدر همه ی انسان ها،
 به واسطه ی پسرت،
 از ما خواستی که نسبت به دشمنان خود محبت داشته باشیم،
 به کسانی که از ما متنفر هستند، نیکی کنیم،
 و برای کسانی که ما را عذاب می دهند، دعا کنیم.
 ولی در مواقع زیادی، مسیحیان
 شهادت ناحق به انجیل داده اند
 و، با تقبل منطقی زورگویی،
 به حقوق تبارها و ملت ها تجاوز کردند،
 فرهنگ هایشان را تحقیر کردند
 و هم چنین، سنت های مذهبی آنها را.
 صبر و ترجم خودت را بر ما نمایان ساز،
 و ما را ببخش!
 از راه عیسا، مسیح، خدای ما.
 آمین.

الف-۳

با این رفتار پر از تواضع و فروتنی، مسئول کلیسای کاتولیک نشان داد که کلیسای ما باید توبه کند و هنوز به ملکوت خدا نرسیده در انجام مأموریتش کوتاهی و اشتباه کرده با در نظر گرفتن این نیایش راز کلیسا را عمیق تر بازرسی کنیم:

الف-۱-۲-۳. مابین حرکت کردن و رسیدن

در قانون ایمان، زمان نیایش اعلام می کنیم: «ما ایمان داریم (...).» به کلیسای واحد

مقدس، کاتولیک و رسولی (...). «اما با تماشا بر حقیقت فعلی، جوانان معترض ما یادآوری کردند که فعلاً کلیسا نه واحد، نه مقدس، نه کاتولیک و نه رسولی می باشد، تا اندازه ای به این اعتراض تاکنون جواب داده ایم؛ ولی از یک دیدگاه جوانان ما حق دارند. در واقع، کلیسای کاتولیک تعلیم میدهد (شماره ۸۶۵ از کتاب تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک): «کلیسا در هویت عمیق و نهایی خود، واحد، مقدس، کاتولیک و رسولی می باشد. زیرا ملکوت آسمانی در او هم اکنون وجود دارد و در اتمام زمان به کمال خواهد رسید، ملکوت خدایی که در شخص مسیح حادث شد و در قلب ایمان دارانی که در او یک تن شدند به صورت رازآمیز رشد می کند تا اظهار آن در روز آخر...»

۱- کلیسا کاروان است طبق تعلیم شورای اسقفان:

اگر با دقت این متن را با توجه خاص به کلماتی که در زیر آنها خط کشیده شده، بخوانیم درک میکنیم که کلیسا هنوز کاملاً به ملکوت نرسیده و در بین دو حالت جا گرفته، یعنی هم اکنون ولی نه هنوز.

هم اکنون:

کلام خدا که انسانیت ما را به عهده گرفته در میان ما، ملکوت خدا را افتتاح کرده و گفت: «بدانید که ملکوت خدا در میان شما هست.» (لوقا ۱۷: ۲۱). علاوه بر این، مسیح قربانی شده و رستخیز کرده به کلیسای خود روح القدس را منتقل می سازد و آن را به تمام ملل می فرستد تا مأموریتی را که از پدر خود دریافت داشته ادامه دهد (یوحنا ۲۰: ۲۱-۲۲). از روز پنجاهه، کلیسا تمام اقتدار عیسا را دارا می باشد (مرکب ۱۶: ۱۷-۱۸) هم چنین همه ی عطایای روح القدس، تا بتواند مأموریت یکتا پسر خدا را به عهده بگیرد.

بنابراین، چون روح القدس داده شده است هم اکنون در دنیا توسط کلیسا ملکوت خدا وجود دارد. (مت ۱۲: ۲۳).

نه هنوز:

ملکوت خدا به مانند دانه ای کوچک که عیسا آن را افشاند، عمیقاً در قلب انسان ریشه دوانیده و به تدریج در دنیا رشد کند (مت ۱۳: ۳۱-۳۲). البته این بندر، چون کلام خداست در خود قدرت شکفتن دارد (مرکب ۴: ۲۶-۲۹)، اما زمان لازم دارد: قبل از آمدن پرجلال مسیح، مژده ی ملکوت باید توسط کلیسا به تمام ملل اعلام شود (مت ۲۴: ۱۴؛ مرکب ۱۳: ۱۰؛ اع ۱: ۶-۸)، فقط در آن زمان، داوری و روز آخر فرا خواهد رسید، و تمام خلقا در مسیح جمع شود. و ملکوت خدا کاملاً برقرار خواهد شد، چون

خدا «همه چیز در همه خواهد بود» (مت ۲۵: ۳۱؛ ۱ قرن ۱۵: ۲۴-۲۸؛ افسس ۱: ۱۰).
بر چندین متون شورای اسقفان واتیکان دو که بسیار زیبا «هم اکنون و نه هنوز» تعلیم می دهد
تعمق نماییم.

بنابراین، کلیسا هنوز ملکوت خدا نمی باشد بلکه فقط «تخمه و شروع آن بر زمین می
باشد» (شورای اسقفان، نور جهان، شماره ۵). با وجود این، مقصد کلیسا «ملکوت خداست که توسط
خود او بر زمین افتتاح شده و باید همیشه به دور دست ها گسترش پیدا کند تا در آخر دنیا از خدا
کمال خود را بیابد، زمانی که عیسا ظاهر شود (ر. ک کول ۳: ۴) و «خود خلقت از بردگی فساد خلاص
خواهد شد تا آزادی پر جلال فرزندان خدا را بشناسد (روم ۸: ۲۱)» (شورای اسقفان، نور ملل،
شماره ۹).

هم اکنون «کلیسا از دیدگاه ایمان، جاودانه مقدس است. در واقع، مسیح، یکتا پسر خدایی که با پدر
و روح، تنها قدوس اعلام شده است، کلیسا را به عنوان عروس خود محبت کرد تا آن را مقدس
گرداند، خود را به مرگ تسلیم کرد (ر. ک افس ۵: ۲۵-۲۶). به عنوان تن خود با آن متحد شده، و با
موهبت روح القدس جهت جلال خدا آن را لبریز کرد.» (نور ملل، شماره ۳۹). «اما در حالی که
مسیح قدوس پاک و بی آلاش (عبر ۷: ۲۶) گناه را نشناخت (۲ قرن ۵: ۲۱) و تنها جهت کفاره گناهان
قوم را دادن، آمد (ر. ک عبر ۲: ۱۷)، اما کلیسا که در سینه خود گناهان را دارا می باشد، هم مقدس و هم
دعوت شده تا خود را پاک کند، می باشد، و همیشه کوشش خود را به سوی توبه و احیا شدن، ادامه می
دهد.» (نور ملل، شماره ۸). «با قدرت مژده، روح القدس، همیشه کلیسا را جوان و تازه ساخته و آن
را به مشارکت کامل با داماد خود می رساند. در واقع، روح و عروس دائماً به خداوند عیسا
میگویند: «بیا» (ر. ک مکا ۲۲: ۱۷)». (نور جهان، شماره ۴).

جوان: در نتیجه، کلیسای ما بدون نقص نمی باشد، ولی طبق کتاب اعمال رسولان (۲: ۴۲-
۴: ۴۷: ۳۲-۳۷) بعد از نزول روح القدس نسبت به امروز به آرمان خود نزدیک تر بوده است، پس آیا
در طول زمان، مثل هر تشکیلات بشری و انسانی به سوی ضعف و پستی می رود؟

پیر: در کتاب مقدس آن چیزی را دل پسندمان می باشد انتخاب کرده و نکات دیگر را فراموش
کنیم. آیا در گفتارتان کلیسای اولیه به درجه ی کمال نرسانده ای تا کلیسایمان را تحقیر نموده و خوار
بشماری. پاتریارک ما در نامه ی خود این موضوع را به ما یادآوری کرده اند (شماره ۳۸).

نامه ی پاتریارک های کاتولیک شرق

«الگوی کلیسایی را که جامعه ی اولیه اورشلیم ارائه می دهد باید جدی گرفت. ضمن دعا کردن در

این باره تعمق کنیم و آن را با آنچه در حوزه های کلیسایی و خلیفه گری خود زندگی می کنیم مقایسه نماییم. این کار باعث ایجاد دلتنگی نجات بخش، تصمیم به توبه و پویایی روحانی جامعه و کلیسا برای اعلام انجیل می گردد. به جای مأیوس کردن ما را فروتن و واقع گرا در امید می گرداند. نباید تصور کنیم که اولین کلیسای رسولی متعلق به «عصر طلایی» تاریخ کلیسا بود. کتاب اعمال رسولان و نامه های پولس رسول، تجربه عملی اولین کلیساهای محلی را منتقل می سازند و ما می توانیم در این تجربه موقعیت های سختی را بباییم که به موقعیت فعلی هر یک از کلیساهای ما شبیه هستند. در تجربه اولین کلیساها به ویژه بایستی دو واقعیت را برجسته نمود، زیرا اگر آنها را فراموش کنیم نمی توان «الگوی کلیسایی» کلیسای رسولی را تجربه نمود.

اولین واقعیت در رابطه با ضعف انسانهاست: یعنی محدودیت و سستی انسان و تمایل وی به شر و گناه، تمامی این موارد از اولین جامعه اورشلیم و در انطاکیه میان پطرس و پولس و در قرنتس و غیره نبایستی نه موقعیت اولین کلیساها را ایده آل تصور نمود و نه از بدبختی های خود تعجب کنیم؛ ما از همان سرشت انسانی هستیم که پدران ایمانی ما بودند. این واقعیت نبایستی ما را مأیوس و دلسرد سازد بلکه خود دلیل بر آن است که تازگی کلیسا «از انسان ها نمی آید بلکه از خدا»، همان گونه که عمالائیل احساس کرده بود (ر. ک اع ۵: ۳۸-۳۹). تفرقه های داخلی به همان اندازه که مانع مشارکت در یک حوزه کلیسایی یا خلیفه گری می شوند به همان اندازه محرکی که ما را دعوت می کند. تا قلب هایمان را با فروتنی و وفاداری به سوی پدرمان برگردانیم. با همین توبه دائمی است که از تصور متکبرانانه پیروزی از رویای پاک خواهیم شد. هر کلیسا جامعه ای از گناهکاران است که همواره خوانده می شود توسط مسیح با خدا آشتی کرده شود (۲ قرن ۵: ۱۸-۲۰). تنها فیض خداست که کلیسا را «واحد و مقدس» می گرداند و به همین سبب از آغاز به آن عطا شده که رسولی باشد. دومین واقعیتی که بایستی برجسته نمود این است که خداوند همواره در هر کلیسا خادم مشارکت است زیرا معجزه خارق العاده مشارکت در «ظروف خاکی» فقر انسانی ما تحقق می یابد (۲ قرن ۴: ۷). این موضوع باعث می شود که نترسیم و به خاطر ضعف هایمان دلسرد نگردیم.»

۲- جلال خدا قوم خود را در دامنه کوه سینا جمع نمود:

کلمه ی کلیسا از کلمه یونانی «Ecclesia» می آید که ترجمه ی اصطلاح عبری «Qahal» به معنی احضار، بنابراین اجتماع می باشد (ر. ک تعلیم کلیسای کاتولیک، شماره ۷۵). در عهد قدیم کلمه ی Qahal این اجتماع بزرگ که خدا آن را به کوه سینا اظهار کرده تا ده فرمان را عطا کند و عهد قدیم را با قوم خویش ببندد (خروج ۱۹: ۱۰-۲۵؛ تث ۴: ۱۰-۱۲؛ ۵: ۱؛ اع ۷: ۳۸). خدا با این احضار و عهد خود، این جماعت بزرگ را به عنوان قوم خدا بنیان نهاد. بنابراین، کلیسای عیسا یعنی قوم جدید

خداوند اجتماعی مقدس می باشد که خدا آن را اظهار کرده (اع ۲) و آن را فرستاده تا تمام ملل را به سوی ملکوت دعوت کند.

عیسای رستاخیز شده، همیشه در این اجتماع، مخصوصاً وقتی آیین گذر و نان مقدس را برپا کند حضور دارد.

۳- کلیسا کاروانی است که در صحرا گام بر می دارد:

این اجتماع و این قوم خدا در صحرا نباید در دامنه کوه سینا باقی بماند، بلکه بعد از عهد بستن در خون قربانی (خروج ۲۴: ۶-۸) خدا به قوم خویش امر فرمود تا به سوی سرزمینی که به ابراهیم وعده داده گام بردارد (خروج ۳۳: ۱؛ اعداد ۱۰: ۱۱؛ تث ۱: ۶). بنابراین، در طول صحرا راهی بسیار طولانی در پیش داشت هم چنین قوم نوین خدا بعد از قربانی شدن بره ی خدایی که عهد بست و روح را تسلیم نمود، می بایست آن بالاخانه و اورشلیم را به سوی امت های غیریهود ترک نماید (اع ۱: ۸). بعد از صعود عیسا، در واقع شاگردان در صحرا به سر می برند زیرا دیگر داماد به صورت ملموس با ایشان نیست (مر ۲: ۲۰). و با غیبت او نمی توانند در این دنیایی که دیگر چون صحرا هیچ جاذبه ای ندارد سکنا گزینند (عبر ۱۳: ۱۳-۱۴؛ ۱ قرن ۷: ۲۹-۳۱) شورای اسقفان در اینجا درباره ی وجود، دو خطر به ما هشدار می دهد:

«این شورا از مسیحیان، به عنوان شهروندان این و آن دنیا، می خواهد تا وظایفشان را صادقانه در روح انجیل به انجام رسانند. اشتباه است که فکر کنیم که چون در اینجا شهری ماندگار نداریم، در پی شهری باشیم که در آینده می آید (ر. ک عبر ۱۳: ۱۴)، به این ترتیب، از مسئولیت ه ای دنیوی خود شانه خالی میکنیم؛ نباید فراموش کرد که با ایمانان ملزم به اجرای این مسئولیت ها بر طبق نقش هر یک از آنها میگردیم (ر. ک ۲ تس ۳: ۶-۱۳؛ افس ۴: ۲۸). اما برعکس، درست نیست که بیندازیم که اغلب خودمان را در فعالیت های دنیوی غرق می سازیم.»

بنابراین، به مثال قوم موسا که بعد از عبور از دریای سرخ، از بردگی مصر رهایی یافته و به سوی سرزمین موعود در صحرا گام برداشت، اینک کلیسا که بعد از تعمید، از بردگی گناه آزاد شده، به عنوان کاروان در صحرای این دنیا به سوی ملکوت، گام برداشته و همه را فرا می خواند که به این کاروان پیوندند.

شورای اسقفان واتیکان دو، (نور ملل، شماره ۹) چنین تعلیم می دهد: «هم چون اسرائیل قدیم که در صحرا گام بر می داشت هم اکنون «اسم کلیسای خدا» در بردارد (اعداد ۴: ۲۰؛ تث ۱: ۲۳-۳). هم چنین قوم جدید خداوند که در دنیای فعلی به دنبال شهر آینده و ثابت (عبر ۱۳: ۱۴)، نیز کلیسای مسیح نامیده می شود (مت ۱۶: ۱۸)». (کلیسا در دنیای امروز، شماره ۴۳، پاراگراف اول).

۴- راه طولانی و خسته کننده:

برای ما این موضوع پر از تعالیم مختلف درباره ی حالت کلیسای ما خواهد بود، زیرا به مانند کاروان

موسا (خروج ۳۳:۱؛ اعداد ۱۰:۱۱؛ تث ۱:۶)، همراه با کلسیا، هم اکنون حرکت کرده ایم ولی هنوز به هدف نرسیده ایم. و این حالت ناپایدار، خطرناک و پر از تله و دام و خستگی و سوسه ها به نظر می آید... کاروان موسا، خواه در ارتباط با پیشروی بسیار کند و یکنواخت (اعداد ۱۱:۴-۵؛ تث ۵:۵)، خواه در برابر خطرات مختلف صحرا (خروج ۱۶:۳؛ تث ۱۷:۱؛ اعداد ۲۰:۳-۵)، خواه به خاطر تهدید دشمنانی که راه او را می بندند (خروج ۱۴:۱۰-۱۱؛ اعداد ۱۴:۱-۳)، اغلب در این سوسه می افتد که به مصر برگردد (اعداد ۱۴:۴)، زیرا اطمینان ثابت در بردگی همیشه از ناامنی و ناپایداری راه به سوی آزادی بهتر به نظر می آید...

ما مسیحیان :

بعضی اوقات مسیحیان، دگرگونی و تعمید خود را فراموش کرده فکر می کنند که انتظار آمدن پرجلال خداوند به درازا کشید (۲ پطرس ۳:۹) و به این که به سوی ملکوت گام بردارند، می توانند در این سوسه افتاده که می توانند در این دنیا به راحتی مستقر شوند. البته اگر در این دنیا باشند، هم چون عیسا از این دنیا نیستند (یو ۱۷:۱۱-۱۸). ولی بعضی اوقات از این مبارزه همیشگی بر ضد شیطان، خسته شده و می مانند (۱ پطرس ۵:۸-۹).

برعکس، کاروان موسا در زمان دیگر که می خواستند بی صبرانه به هدف برسند از مراحل مختلف جهیده، با ابتکار خود بدون این که اوقاتی که بیهوه در نظر گرفته بود، تشخیص دهند، سرزمین کنعان را فتح کنند (اعداد ۱۳:۳۰-۳۲؛ تث ۱۴:۳۹-۴۴).

در نتیجه در برابر شکست های سهمگین، بر ضد موسا قیام می کردند (خروج ۱۴:۱۱؛ تث ۱۶:۲-۳؛ تث ۱۷:۳). هم چنین بعضی از مسیحیان که در برابر کندی پیشرفت کلیسا و سنگینی گناهکاران آن، می خواهند با برپا کردن کلیسای نوین ملکوت خدا را با ابتکار خود هر چه زودتر برپا کنند، اما با این رفتار، کاروان تقسیم شده و عقب می افتد. بعضی ها بدون ارتباط با جانشینان عیسا کناره می گزینند و بدون این که صدای عیسا را بشنود که می گفت: «هر کس به شما گوش دهد، به من گوش داده است» (کو ۱۰:۱۶).

۵- در تحت هدایت پر از لطف و مهربانی پدر:

خدا وفادار است و هیچ وقت قوم خود را رها نمی کند، بلکه هم چون عقاب بر جوجه خود او ب آن مراقبت می کند (تث ۱۰:۳۲).

او کاروان موسا را رهبری کرده و آن را با ستون ابر و آتش حمایت می کند، هم چنان که کلیسا را با روح مدافع.

او در خیمه ی ملاقات در میان قوم خود حضور دارد، همین طور که عیسا با ماست، طبق قول خود (مت ۱۸:۲۰؛ تث ۲۸:۲۰).

او مثل پدر مراقب (تث ۸:۵) بچه های خود، با مَنّا سیر می کند (خروج ۱۶:۴-۱۸؛ مز ۷۸:۲۵)، و اجازه نمی دهد که لباس ایشان مندرس بشود (تث ۸:۴) هم چنان که ما را با آن نان آسمانی غذا می دهد (یو ۶:۴۹-۵۱)، و بر ما مراقبت می کند تا از سر ما مویی بر زمین افتد (لو ۲۱:۱۸).

او تشنگان را با آب زنده ای که از صخره می جوشد سیراب می کند (خروج ۱۷:۱-۶؛ اعداد ۲۰:۱-۱۱)، همان طور که ما را با روح القدس، این آب زنده که از آن صخره یعنی از پهلوی بره قربانی شده، می جوشد ما را سیراب می کند (یو ۷:۳۷-۳۹؛ ۱۹:۳۴).

او با مار برنجین که بر سر چوب افراشته شده بود زخمی ها را شفا داد (اعداد ۲۱:۶-۹)، همان طور که زخم های گناهان ما را اگر با ایمان، یکتا پسر را بر چوب صلیب آویخته، شفا می دهد (یو ۳:۱۳-۱۷؛ ۱۹:۳۹).

پولس رسول به ما یادآوری می کند که نشانه هایی به کاروان موسا داده شده، به صورت بسیار تأثیر گذارتر در رازهای هفت گانه کلیسا به ما داده می شود: «ای برادران نمی خواهیم...».

درس عبرت از بت پرستی اسرائیل

زیرا ای برادران، نمی خواهیم از این موضوع غافل باشیم که پدران ما همه زیر ابر بودند و همه نیز از میان دریا گذشتند. آن همه در ابر و در دریا در اتحاد با موسا تعمید یافتند، و همه از یک خوراک روحانی خوردند و از یک آشامیدنی روحانی نوشیدند؛ زیرا از آن صخره ی روحانی می نوشیدند که از پی ایشان می آمد، و آن صخره مسیح بود.^۵ با این همه، خدا از بیشتر آنان خرسند نبود، پس اجسادشان در سرتاسر بیابان پراکنده شد.

حال این رویدادها به وقوع پیوست تا نمونه هایی باشد برای ما، تا ما همچون آنان در پی بدی نباشیم. پس بت پرست مشوید، چنانکه بعضی از ایشان شدند؛ به گونه ای که نوشته شده است: «قوم برای خورد و نوش نشستند و برای عیاشی به پا خاستند.» و نه به بی عفتی دست یازیم، چنانکه بعضی از ایشان کردند، و در یک روز بیست و سه هزار تن به هلاکت رسیدند. و نه مسیح را بیازماییم، چنان که بعضی از آنان کردند و به وسیله ی مارها کشته شدند. و نه شکوه و شکایت کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک کننده هلاکشان ساخت.

این امور چون نمونه بر آنان واقع گردید و نوشته شد تا عبرتی باشد برای ما که در زمانی به سر می بریم که در آن غایت همه ی اعصار تحقق یافته است. پس اگر گمان می کنید استوارید، بهوش باشید که نیفتید! هیچ آزمایشی بر شما نمی آید که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه به وقت آزمایش، راه گریزی نیز فراهم می سازد تا تاب تحملش را داشته باشید.

۶. توشه ی کاروان

رازهای هفت گانه کلیسا، اقتداری جهت ادامه ی راه به سوی ملکوت

موسا، از طرف خدا فرستاده شد تا قوم خود را خارج از بردگی مصر، به سوی آزادی رهبری کند. در کوه سینا عهد خداوند را پذیرفت و هنگام عبور از صحرا قوم خود را رهبری می نمود و استغاثه می کرد تا خدا آنان را بخشیده و حمایت کند. به صورت مشابه، عیسا که موسای نوین می باشد (تث ۱۸: ۱۵-۱۹) قوم نوین خدا که کلیسا می باشد از اسارت بزرگی گناه نجات داده و از راه مرگ و رستاخیزش به قوم عهد بست و با استغاثه مداوم به عنوان کاهن بزرگ آن را حمایت می کند تا به ملکوت برسد (عبر ۷: ۲۵).

موسا، قوم خود را تا رود اردن یعنی مرز سرزمین موعود رهبری کرد. اما عیسا که خود به صمیمیت کامل با پدرش رسید، قوم جدید خداوند را کاملاً هنوز به آنجا نرسانیده است. مابین صعود او و آمدن پرجلالش، روح القدس را بر ما هر روزه می فرستد و با قدرت او، رازهای هفت گانه کلیسا، تقدیس شده به ما می دهد.

این نشانه ها، مثل آب، روغن، نان، شراب، اعتراف گناهان، تعهد زوجین، یا دستگذاری جهت تقدیس خادمین، دیدنی و شنیدنی می باشند با اعمال و گفتار کشیش و جماعت این چیزهای ملموس آماده شده برکت یافته و تقدیس شده تا فیض الهی را به ما منتقل سازند. بدین ترتیب پسر خدای تن گرفته خواست از خلقت خود استفاده کند تا نجات را به ما برساند.

در حقیقت، هر یک از این رازها به یکی از سخنان عیسا (با یکی از رسولانش) بر می گردد و ضامن و ضابطه یعنی کار روح القدس است که برای تأیید کار پسر می آید و به هیچ وجه در اختیار هر کسی که خود را ملهم معرفی نماید نمی باشد:

«بروید و همه ی امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید» (راز تعمید) (مت ۲۸: ۱۹).

«پس دست های رسولان برایشان گذارده روح القدس رایافتند» (راز تثبیت روح القدس) (۱۷: ۸۶).

«بگیرید و بخورید این است بدن من» (راز قربانی مقدس) (مت ۲۶: ۲۶).

«گناهان آنانی را که آمرزیدید برای ایشان آمرزیده شده» (راز توبه) (یو ۲۰: ۲۳).

«شوهر سرزن است چنان که مسیح نیز سر کلیسا... ای شوهران زنان خود را محبت نمایند چنان

که مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد» (راز ازدواج) (افس ۵: ۲۴-۲۵).

«هر گاه کسی از شما بیمار باشد کشیشان کلیسا را طلب کند... و او را به نام خداوند به روغن

تدهین نند» (راز تدهین مریضان) (یع ۵: ۱۴).

«زنهار از آن کرامتی که در تو است که به وسیله ی نبوت با نهادن دست های کشیشان به تو داده شد بی اعتنا منما» (راز تقدیس خادمین) (۱ تیمو ۴: ۱۳).

مسیح رازهای مقدس را به کلیسای خود عطا نمود چون خود مسیح این نشانه ها را انتخاب کرده و هر کدام را جهت فیضی خاص به کلیسا داد، امروز برای ما ایمان داران بی نهایت مؤثرند اگر با فروتنی و ایمان و سپاسگزاری آنان را بپذیریم.

«رازها»، در حقیقت اعمال ساده انسانی نیستند بلکه اساساً عبارت از مظاهر پنطیکاست و اعمال روح القدس که مؤید کلام مسیح می باشند که ما را در غنای بی انتها و نهفته در راز مسیح سهیم نموده به طوری اسرارآمیز و به منظور شرکت دادن ما در کاری که برای دنیا انجام می دهد متحد میسازد. «این راز عظیم است لیکن من درباره ی مسیح و کلیسا سخن می گویم» (افس ۵: ۳۲).

اینک که توسط نجات دهنده ی خود این چنین مورد احترام واقع شده ایم چگونه می توانیم با پولس قدیس هم صدا نشده و نگوییم: «یقین می دانم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه رؤسا و نه قدرتها و نه چیزهای آینده و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسا است جدا سازد؟» (روم ۸: ۳۸-۳۹).

جوان: اما چگونه که کشیش ها که انسان می باشند، قادرند این مواد دیدنی مثل آب و نان و غیره به صورت وسیله ای جهت فیض خدا تبدیل سازند؟

پیر: البته خادمین کلیسا هیچ گونه قدرتی ندارند مگر آنانی که عیسا به ایشان داده ایشان گویا وسیله ی ارتباط اعمال روح القدس، که تنها او این مواد را به فیض های مختلف نجات بخش مسیح تبدیل می کند. توسط دستگذاری و استغاثه ی خادم، روح القدس این مواد را به فیض مسیح تبدیل می کند در واقع وقتی کشیش مثلاً می گوید: «تورا تعمید می دهم... یا گناهان تورا می بخشیم» در واقع این خود مسیح است که تعمید یا بخشش می دهد توسط خادم خود که از قبل جهت این کار انتخاب شده و تقدیس یافته است. مکرراً بگوییم که رازها هیچ قدرت و معنا ندارد مگر با عمل قدرتمند روح القدس، روحی که یکتا کاهن بزرگ ما عیسا و در اتحاد با او کاهنان عهد جدید منتقل می سازند.



۷. فضایل این کاروان

هر کدام از ما چه کیفیت هایی باید داشته باشیم که تا در این کاروان هم گام شویم. ابتدا توسط تمرین مداوم مقاوم و پرتاقت شویم همان طور که در ورزشگاه، پهلوانان تا مدال را کسب کنند از همه چیز سرپیچی می کنند (۱ قرن ۹: ۲۴-۲۷؛ فیلی ۳: ۱۲-۱۴).

علاوه بر این، پولس رسول به مسیحیان شهر کولس، سفارش می کند که در کوشش پای بند باشند

و چون خدا ما را دعوت کرده و قدرت خود را به ما می دهد، با صبر تجربه را بپذیریم: «پدر را شکرگزاری که ما را لایق بهره ی میراث مقدسان در نور گردانیده است. و ما را از قدرت ظلمت رهاییده به ملکوت پسر محبوب خود منتقل ساخت.» (کول ۱: ۱۲-۱۳).

علاوه بر این، باید همراه با همه ی برادران خود، نه به صورت انفرادی گام برداریم، زیرا نسبت به یکدیگر مسئول می باشیم و با آنانی که به خاطر ضعفشان و مخصوصاً به خاطر جفا، آهسته تر گام بر می دارند، در انسجام باقی بمانیم (ر. ک عبر ۱۰: ۳۳)، با قدرت عظیمی که این رازهای هفت گانه کلیسا به ما می دهند می توانیم به سوی ملکوت همراه با کاروان به پیش برویم.

هم چنان که، شورای اسقفان، (نور ملل، شماره ی ۱۱) یادآوری می کند که کلیسا، و هم چنین ما نیز در آن، می توانیم به قدوسیت خدا برسیم: «همه کسانی که به عیسا ایمان دارند، در هر حالت و شرایط زندگی که باشند، چون مجهز به وسایل نجات دهنده این اندازه زیاد و بزرگ، هر کدام در راه خود به تقدسی که کامل آن همان تقدس پدر آسمانی می باشد، از طرف خدا دعوت شده اند.»

با این همه، به این تقدس کامل هنوز نرسیده ایم، همان گونه که پولس رسول به ما یادآوری میکند: «ما نیز که نویر روح را یافته ایم، در خود آه می کشیم در انتظار پسرخواندگی، یعنی خلاصی جسم خود. زیرا که به امید نجات یافتیم، لیکن چون امید دیده شد، دیگر امید نیست، زیرا آنچه کسی بیند چرا دیگر در آن امید باشد؟ اما اگر امید چیزی را داریم که نمی بینیم، با صبر انتظار آن را میکشیم.» (روم ۸: ۲۳-۲۵). در برابر تجربه زمانی که بسیار به درازا می انجامد و خستگی راه ها باید عکس العمل نشان دهیم و امید خود را مستحکم تر سازیم، هم چون ابراهیم «که بر خلاف هر امیدی، امیدوار شده» (روم ۴: ۱۸) زیرا خدایی که با ما عهد بسته، وفادار است، و اجازه نخواهد داد که در راه گم شویم، البته به شرط این که چشمان خود را پیوسته بر او بیندازیم، او که «راه» (یو ۱۴: ۶) است و «او به صورت پیشرو» (عبر ۶: ۲۰) در جلو کاروان گام برداشته تا راه را بگشاید و توسط گذر او به عنوان «نوبر» (۱ قرن ۱۵: ۲۳) نزد پدر به هدف رسیده است.

۸- با کمک پیشگامان ما که به هدف رسیده اند

بلکه نه تنها او، بلکه حضرت مریم و همه ی مقدسینی که در او نجات یافته، به هدف رسیده اند و در انتظار ما در دعا می مانند. در جلو انبوه مقدسین این استهزاء نامه به عبرانیان خطاب به آنانی که ضعیف و خسته شده، می خواستند به عقب برگشته، آنانی را که در پیشگاه ما رسیده اند یادآوری می کند: «کسانی که هم چنین می گویند، ظاهر می سازند که در جستجوی وطنی هستند. و اگر جایی را که از آن بیرون آمدند، به خاطر می آوردند هر آینه فرصت می داشتند که (به آنجا) برگردند. لکن الحال مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (وطن) سماوی هستند (...). بنابراین چون که ما نیز چنین ابر شاهدان را گرداگرد خود داریم، هر بار گران و گناهی را که ما را سخت می پیچد، دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما

مقرر شده است برویم، و به سوی پیشوا و کامل کننده ایمان یعنی عیسا، نگران باشیم که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است. پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پدید آمد، مبادا در جان های خود ضعف کرده خسته شوید. هنوز در جهاد با گناه تا به حد خون مقاومت نکرده اید (...)

علاوه بر این، باید همراه با همه ی برادران خود، نه به صورت انفرادی گام برداریم، زیرا نسبت به یکدیگر مسئول می باشیم و با آنانی که به خاطر ضعفشان و مخصوصاً به خاطر جفا، آهسته تر گام می دارند، در انسجام باقی بمانیم (ر.ک عبر ۱۰: ۳۳)، با قدرت عظیمی که این رازهای هفت گانه کلیسا به ما می دهند می توانیم به سوی ملکوت همراه با کاروان به پیش برویم.

هم چنان که، شورای اسقفان، (نور ملل، شماره ی ۱۱) یادآوری می کند که کلیسا، و هم چنین ما نیز در آن، می توانیم به قدوسیت خدا برسیم: «همه کسانی که به عیسا ایمان دارند، در هر حالت و شرایط زندگی که باشند، چون مجهز به وسایل نجات دهنده این اندازه زیاد و بزرگ، هر کدام در راه خود به تقدسی که کامل آن همان تقدس پدر آسمانی می باشد، از طرف خدا دعوت شده اند.»

با این همه، به این تقدس کامل هنوز نرسیده ایم، همان گونه که پولس رسول به ما یادآوری می کند: «ما نیز که نوبر روح را یافته ایم، در خود آه می کشیم در انتظار پسرخواندگی، یعنی خلاصی جسم خود. زیرا که به امید نجات یافتیم، لیکن چون امید دیده شد، دیگر امید نیست، زیرا آنچه کسی ببند چرا دیگر در آن امید باشد؟ اما اگر امید چیزی را داریم که نمی بینیم، با صبر انتظار آن را می کشیم.» (روم ۸: ۲۳-۲۵). در برابر تجربه زمانی که بسیار به درازا می انجامد و خستگی راه ها باید عکس العمل نشان دهیم و امید خود را مستحکم تر سازیم، هم چون ابراهیم «که بر خلاف هر امیدی، امیدوار شده» (روم ۴: ۱۸) زیرا خدایی که با ما عهد بسته، وفادار است، و اجازه نخواهد داد که در راه گم شویم، البته به شرط این که چشمان خود را پیوسته بر او بیندوزیم، او که «راه» (یو ۱۴: ۶) است و «او به صورت پیشرو» (عبر ۶: ۲۰) در جلو کاروان گام برداشته تا راه را بگشاید و توسط گذر او به عنوان «نوبر» (۱ قرن ۱۵: ۲۳) نزد پدر به هدف رسیده است.

۸- با کمک پیشگامان ما که به هدف رسیده اند

بلکه نه تنها او، بلکه حضرت مریم و همه ی مقدسینی که در او نجات یافته، به هدف رسیده اند و در انتظار ما در دعا می مانند. در جلو انبوه مقدسین این استهزاء نامه به عبرانیان خطاب به آنانی که ضعیف و خسته شده، می خواستند به عقب برگشته، آنانی را که در پیشگاه ما رسیده اند یادآوری می کند: «کسانی که هم چنین می گویند، ظاهر می سازند که در جستجوی وطنی هستند. و اگر جایی را که از آن بیرون آمدند، به خاطر می آوردند هر آینه فرصت می داشتند که (به آنجا) برگردند. لکن الحال مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (وطن) سماوی هستند (...). بنابراین چون که ما نیز چنین ابر شاهدان را گرداگرد خود

داریم، هر بار گران و گناهی را که ما را سخت می پیچد، دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است برویم، و به سوی پیشوا و کامل کننده ایمان یعنی عیسا، نگران باشیم که به جهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است. پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پدید آمد، مبادا در جان های خود ضعف کرده خسته شوید. هنوز در جهاد با گناه تا به حد خون مقاومت نکرده اید (...)

در نتیجه اگر کلیسا کاروان باشد، نمی توان از آن انتقاد نمود که هنوز به ملکوت کاملاً نرسیده است. «کلیسا به کمک روح القدس، همسر امین خداوند است و هرگز از این که نشانه ی نجات در جهان باشد کوتاهی نخواهد نمود؛ اما هرگز غافل نبوده که در طی قرن ها ابزاری در میان اعضایش بوده اند، چه مسئولان و چه تعمید یافتگانی که به روح خدا خائن بوده اند. کلیسا، امروز نیز به تفاوت میان پیامی که اعلام می دارد و ضعف کسانی که انجیل به ایشان سپرده شده است، آگاه و ناظر است. هر آنچه حکم تاریخ در مورد این کوتاهی بوده است، نمی توانیم از آنها چشم پوشی کنیم و باید صادقانه با آنها مبارزه نماییم تا مبادا مانع گسترش مژده ی نجات شوند. کلیسا نیز می داند باید همیشه از تجربیات قرون پیاموزد تا ارتباط خود را با دنیا توسعه دهد. کلیسا یعنی مادر ما، که با روح القدس هدایت می شود، همیشه «تطهیر و تازگی را از فرزندان می خواهد تا نشانه ی مسیح بر چهره کلیسا درخشان تر جلوه گر نماید». (کلیسا در دنیای امروز، شماره ی ۴۳، پاراگراف ششم).

بنابراین، هر کدام از ما به جای این که از این کاروان انتقام بگیریم که گویا از آن خارج شده، بدون این که در کوشش آن مشارکت داشته باشیم بر گام های او از بیرون می نگریم، بهتر است به خاطر ضعف های آن رنج برده و با وفاداری و کوشش روحانی خود به تسریع در گام های او بیافزاییم.

«اگر یک عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند» (۱ قرن ۱۲-۲۶). بنابراین، اگر در کاروان، بعضی ها با گناهان خود، حرکت بقیه را کندتر می سازند، نباید از آنها جدا شده، بلکه با در نظر گرفتن سنگینی گناه خودمان باید با وفاداری و کوشش خود آنها را مساعدت نماییم تا بدین گونه کاروان از هم گسیخته نگردد بلکه واحد بماند.

هر کاروانی مسئولینی دارد، جهت هدایت و رهبری آن. و هر شخص باید فرامین و دستورات مسئولین را رعایت کند تا هیچ کسی گمراه نشود: «مرشدان خود را اطاعت و انقیاد نمایید، زیرا ایشان پاسبانی جان های شما را می کنند.» (عبر ۱۳: ۱۷) و این گونه، کاروان باید همبستگی خود را نگاه داشته و بدین صورت کلیسا رسولی می باشد.

از همه مهمتر، باید هدف کوشش خود را در نظر گرفته، بدانیم که با قدرت روح القدس همه با هم به آن هدف برسیم: «ترک مکنید دلیری خود را که مقرون به مجازت عظیم می باشد، زیرا شما را صبر

لازم است تا اراده ی خدا را بجا آورده، وعده را بیابید. زیرا که «بعد از اندک زمانی، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود. لکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد.» لکن ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم، بلکه از ایمانداران، تا جان خود را دریابیم.» (عبر ۱۰: ۳۵-۳۹).

در مورد این کوتاهی بوده است، نمی توانیم از آنها چشم پوشی کنیم و باید صادقانه با آنها مبارزه نماییم تا مبادا مانع گسترش مژده ی نجات شوند. کلیسا نیز می داند باید همیشه از تجربیات قرون بیاموزد تا ارتباط خود را با دنیا توسعه دهد. کلیسا یعنی مادر ما، که با روح القدس هدایت میشود، همیشه «تطهیر و تازگی را از فرزندانش می خواهد تا نشانه ی مسیح بر چهره ی کلیسا درخشانتر جلوه گر نماید» (کلیسا در دنیای امروز، شماره ی ۴۳، پاراگراف ششم).

بنابراین، هر کدام از ما به جای این که از این کاروان انتقام بگیریم که گویا از آن خارج شده، بدون این که در کوشش آن مشارکت داشته باشیم بر گام های او از بیرون می نگریم، بهتر است به خاطر ضعف های آن رنج برده و با وفاداری و کوشش روحانی خود به تسریع در گام های او بیافزاییم.

در صفحات قبل، ممکن است اصطلاح «کلیسای محلی ما» یا «کلیسای محلی ایران» به جای «کلیسای محلی در ایران» استفاده کرده باشیم و این نوع اصطلاح مبهم و دوپهلوی باشد. اگر بگوییم «کلیسای محلی ما» می توانیم با میل و اراده ی خود از آن استفاده کنیم؛ اما کلیسایی که عیسی مسیح تأسیس کرد و بر آن روح القدس را فرستاد، ابتدا کلیسای او می باشد نه کلیسای ما یا کلیسایی که به ما واگذار کرده است که وظیفه داریم آن را طبق اراده ی او احیا کنیم و نه طبق دیدگاه انسانی ما که در آن تولد نوین تعمید را می یابیم. بنابراین، مادر ما می باشد. علاوه بر این، کلیسا در آن واحد هم خدایی و هم بشری می باشد، کلیسا، راز اول است که همه رازهای هفت گانه را به ما میدهد. بنابراین، پر از احترام نسبت به او، او را محبت نموده، در این صورت خداوندمان عیسی مسیح را محبت می نماییم.

در قانون ایمان اقرار می کنیم که «به مشارکت مقدسین ایمان داریم» و درباره ی این موضوع، کتاب «خلاصه ی تعلیمات» چنین می گوید:

۱۹۴- اصطلاح مشارکت مقدسین چه معنایی دارد؟
معنی اول این اصطلاح، این می باشد که همه ی اعضا کلیسا به فیض های مقدس، با هم شرکت می کنند یعنی ایمان و رازهای کلیسا، مخصوصاً شام آخر و عطایای مختلف روح القدس.
سرچشمه ی مشارکت محبت می باشد که «نفع خود را طالب نمی شود» (قرن ۱۳: ۵) بلکه ایمانداران را دعوت می کند که «همه چیز را مشترک بدارند» (اع ۴: ۳۲) حتی دارایی مادی خود را جهت خدمت به فقیران.
۱۹۵- معنی دیگر مشارکت مقدسین چیست؟
این اصطلاح به مشارکت مابین اشخاص مقدس نیز اشاره می کند، یعنی اشخاصی که از راه فیض خداوند با عیسی

کشته و رستاخیز کرده متحد شدند. در این کاروان به سوی ملکوت بعضی ها در زمین زندگی می کنند و راه می روند و عده ای دیگر که این زندگی را رها نمودند، با کمک دعاهای ما تطهیر خود را به اتمام می رسانند و بالاخره، عده ای دیگر از هم اکنون از جلال خدا لذت می برند و برای ما استغاثه می کنند. همه با هم در مسیح يك خانواده، یعنی کلیسا جهت ستایش و جلال راز سه گانه ی اقدس تشکیل می دهند.

مریم مادر مسیح و مادر کلیسا

۱۹۶- به چه معنی حضرت مریم باکره، مادر کلیسا می باشد؟
حضرت مریم باکره از دیدگاه فیض مادر کلیسا است، زیرا عیسا یکتا پسر خدا و سر او که تن کلیساست به دنیا آورد. عیسا چون بر صلیب جان می سپرد به شاگردانش او را به عنوان مادر سپرد و گفت: «اینک مادر تو» (یو: ۱۹: ۲۷).

۱۹۷- چگونه مریم عذرا کلیسا را کمک می کند؟
مریم عذرا بعد از صعود پسرش، توسط نیایش خود، آغاز کلیسا را کمک کرده. حتی بعد از بر شدن به آسمان به مسئولیت خود ادامه می دهد: برای ما به عنوان فرزندانش استغاثه می کند و برای همه الگوی ایمان و محبت می باشد و بر اینان نفوذ نجات بخش را که از کثرت فضایل مسیح سرچشمه می گیرد، انجام می دهد. ایمان داران، او را به عنوان شمایل کلیسای به کمال رسیده و نمونه وکیل، یاور، همراه و میانجی درخواست می کنند.

۱۹۸- چه نوع آیینی برای حضرت مریم مناسب است؟
آیین خاصی می باشد که مطلقاً با آیین پرستشی که فقط به سه گانه ی اقدس اختصاص دارد، تفاوت دارد. این آیین، ارج نهادن خاص، مخصوصاً در اعیاد کلیسایی به یاد حضرت مریم، مادر خداوند و هم چنین در نیایش به مریم عذرا مثل تسبیح، یعنی خلاصه ای از انجیل بیان می شود.

۱۹۹- به چه معنا حضرت مریم عذرا را شمایل کلیسای به کمال رسیده، می نامند؟
با تماشا بر حضرت مریم، پر از فیض و تقدس، و هم اکنون در تن و جان خود به جلال رسیده. در او، کلیسا حالتی که به خاطر دعوت خدا در این دنیا باید بشود و در ملکوت آسمانی به آن خواهد رسید، تماشا می کند.

سؤال برای تعمق بیشتر:

- ۱- چه نوع وسوسه هایی می تواند پیشرفت این کاروان را مانع شود؟
- ۲- برعکس چگونه می توانیم به گام نهادن این کاروان کمک کنیم؟

کتاب برای مطالعه بیشتر:

- ۱- رازهای روحانی و آسمانی
- ۲- آیین های نیایشی کلیساهای شرق
- ۳- تقدس
- ۴- شاهدان کلیسای ما
- ۵- اسنادی درباره ی کلیسای شرق، ۳ جلد
- ۶- حضرت مریم شمایل کلیسای به کمال رسیده